

لایحه قانونی مطبوعات بازتاب روح انقلاب ایران نیست



وزارت ارشاد ملی، لایحه قانونی مطبوعات را منتشر کرده است تا اقدام عمومی در باره آن نظر خود را اعلام کند.

این لایحه، بنظر ما، دارای نقایص بسیار جدی است و باین شکل نمیتواند بازتاب روح انقلاب ایران باشد که هدفهای آن کسب آزادیهای دموکراتیک از جمله آزادی مطبوعات بود.

بر بنیاد خواست های دموکراتیک حزب ما از آزادی مطبوعات، ایرادات

زیرین بر لایحه جدید وارد است، ماده ۲ در ماده دوم این قانون ۶ شرط برای صاحب امتیاز شمرده اند، از جمله، نداشتن محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد، و معروف بودن بدستی و امانت داری و تقوای سیاسی و حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی.

هر چند در اصل موضوع نداشتن محکومیت کیفری حرفی نیست، اما

آنچه عمداً یا سهواً دل اینها فراموش شده اینست، محکومیت کیفری بموجب کدام نظام ورژیم؟ نکته بعد، کلی و قابل تفسیر بودن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی است. و با توجه به آنکه در ماده بعدی تشخیص این صلاحیت و تقوای بعدی وزارت ارشاد ملی و وزیر آن سپرده شده، بر احوالی می شود به کسی یا کسانی امتیاز نداد.

در همین ماده تصریح شده است که

« امتیاز نشریه به اشخاص حقیقی... داده می شود » باین ترتیب لایحه، احزاب، جمعیت ها، گروهها و سازمان های سیاسی را در واقع بر سمیت شناخته و اینگونه شخصیت های حقوقی نخواهند توانست نشریه منتشر کنند.

ماده ۳ در این ماده آمده که هنگام درخواست برای دریافت امتیاز باید در اظهارنامه « نوع نشریه و اصول فکری و اعتقادی و بقیه در صفحه ۴

بانک های خصوصی ملی شدند باید سایر عوامل غارت و وابستگی را نیز ریشه کن کرد

شورای انقلاب اسلامی با تصویب قانون ملی شدن بانک های خصوصی نخستین گام را در راه ایجاد زمینه لازم برای سالم کردن اقتصاد کشور برداشت. این گامی است مثبت که مورد تأیید کامل حزب ماست.

بانک های خصوصی، که در دوران سلطنت محمدرضای مخلوع، بخصوص در دوران پس از «انقلاب سفید»، با سرعت بوجود آمدند و گسترش یافتند، بر تمام پیکر اقتصاد بیمارگونه کشور چنگ انداختند و بر ضعف و شکنندگی آن به مراتب افزودند.

بانک های خصوصی، که با سرمایه اولیه ناچیز وارد میدان شده بودند، با گرده آوری سپرده های مردم و سایر منابع، میانی عظیم، که ۱۵-۱۰ بار بیش از سرمایه بانکی آنها بوده، به غارت مستقیم و غیرمستقیم همین مردم پرداختند. در پایان سال ۱۳۵۶، از جمع سپرده های بانکی، ۶۶۵ میلیارد ریال سپرده جاری بدون بهره، ۶۶۶ میلیارد ریال سپرده پس انداز با حداکثر ۸ درصد بهره و ۶۶۹ میلیارد ریال سپرده مدت دار با حداکثر ۹۰ درصد بهره بود. باین ترتیب بانکها بطور متوسط ۶۶ درصد بهره سالانه به این سپرده ها پرداختند، ولی در مقابل وامها و اعتبارات اعطائی خود، بیش از ۱۳ درصد، یعنی نزدیک به دو برابر بهره میگرفتند.

این بانک ها سرمایه های گردآوری شده را، بیای آنکه در امور تولیدی بکار اندازند، بیشتر به فعالیت های سودآور غیر تولیدی تنه می میدادند (اعتبارات کشاورزی و صنعتی و ساختمانی فقط ۴۳ درصد کل اعتبارات را تشکیل میداد). اعتبارات تولیدی نیز بیشتر در دسترس بزرگترین سرمایه داران وابسته، که خود در عین حال صاحبان بانک های خصوصی بودند، قرار میگرفت. سرمایه داران و تولید کنندگان کوچک از اعتبارات و تسهیلات بانکی بهره ای نداشتند و زیر فشار سیستم بانکی، رباخواران و رقابت کالاهای خارجی و تولید کنندگان بزرگ داخلی دچار ورشکستگی میشدند.

بانک های خصوصی که بدست سرمایه داران بزرگ تشکیل میشدند، امکان درآمیختن سرمایه های بانکی را با سرمایه های صنعتی فراهم آوردند و باین ترتیب باعث پیدایش سرمایه مالی، که نمودار نهایت فساد نظام سرمایه داری است، گردیدند. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بزرگترین نمونه درآمیختگی سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی است. وامها و سرمایه گذاری های این بانک در مهمترین بخش های اقتصادی کشور، از ۸۴۵ میلیون ریال در سال ۱۳۴۴ به ۳۳۶۱۸ میلیون ریال در سال ۱۳۵۴ رسید، یعنی ۴۰ برابر شد!

بقیه در صفحه ۵

توطئه هایی از همه رنگ در کار است! آنهایکه به آرمانهای خلقی و ضد استعماری انقلاب پیگیرانه وفادارند، دقت کنند که در انواع دامهای گسترده نیافتند!

وضع در کشور ما، پس از یک انقلاب زنگنه دوران ساز، که یکی از مهمترین نگاههای سیاسی، اقتصادی و نظامی مریالیسم را از چنگش بیرون کشید، بران پیچیده و پرچرخش و خروشی را بگذراند. دورانی که بفرنجی و پیچیدگی سیاسی-اجتماعی آن بهر آنکه اندر دوران بر اندازی رژیم شاه مخلوع پیشتر است.

پس از آنکه وظیفه دشوار و مهم از میان برداشتن سد استبداد سلطنتی دست نشانده امپریالیسم برداشته شد، اینک جامعه میخواهد «انتخاب کند»، پس از سلسله منحوس و فاسد پهلوی چه کند، از کدامین راه برود و چگونه جامعه ایران را در جهت سمت های اساسی سوق دهد؟ کسانی که در بخش اول انقلاب (بخش براندازی) سیاست سازشکارانه شاد-باید سلطنت کنند نه حکومت را، مصراف دنبال میکردند، سپس بدنبال رهبری قاطع ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی امام خمینی، خواه و ناخواه،

وضع در کشور ما، پس از یک انقلاب زنگنه دوران ساز، که یکی از مهمترین نگاههای سیاسی، اقتصادی و نظامی مریالیسم را از چنگش بیرون کشید، بران پیچیده و پرچرخش و خروشی را بگذراند. دورانی که بفرنجی و پیچیدگی سیاسی-اجتماعی آن بهر آنکه اندر دوران بر اندازی رژیم شاه مخلوع پیشتر است.

پس از آنکه وظیفه دشوار و مهم از میان برداشتن سد استبداد سلطنتی دست نشانده امپریالیسم برداشته شد، اینک جامعه میخواهد «انتخاب کند»، پس از سلسله منحوس و فاسد پهلوی چه کند، از کدامین راه برود و چگونه جامعه ایران را در جهت سمت های اساسی سوق دهد؟ کسانی که در بخش اول انقلاب (بخش براندازی) سیاست سازشکارانه شاد-باید سلطنت کنند نه حکومت را، مصراف دنبال میکردند، سپس بدنبال رهبری قاطع ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی امام خمینی، خواه و ناخواه،

پرفسور مکرری گفت:

روابط ایران و شوروی بسیار خوبست

آقای پرفسور محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی طی مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری مطبوعاتی نوستی، در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اظهار داشت:

« ما برای استحکام بیشتر روابط حسن همجواری با همسایه شمالی خود کوشش خواهیم کرد. ما میتوانیم و باید به اجرای اصول حق حاکمیت کشورها نائل شویم، اصولی که اتحاد شوروی در راه تحقق آنها مبارزه میکند و ما تمام و کمال از آنها پشتیبانی میکنیم. ما بدون مداخله در امور یکدیگر میتوانیم و باید روابط دوستانه واقعی و مستحکم بین کشورهای خود ایجاد کنیم. رهبران دولت ما - نخست وزیر مهدی بازرگان، وزیر امور خارجه دکتر ابراهیم یزدی و سایر سیاستمدارهای بلندپایه به تصریح نموده اند که ما میخواهیم با تمام کشورهای و بویژه با اتحاد شوروی که نزدیکترین همسایه ماست، مناسبات دوستانه و صمیمانه داشته باشیم.»

آقای پرفسور مکرری افزود: « روابط سیاسی بین کشورها بر امور مشخص استوار است. ما باید روابط اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی را با رعایت منافع یکدیگر همه جانبه توسعه دهیم. و این امر کاملاً میسر است، زیرا اتحاد شوروی مانند کشورهای سرمایه داری استعمارگر نیست. اتحاد شوروی هرگز از پشت بما ضربه نزد و به انقلاب ما لطمه وارد نیاورد.

بدین ترتیب تمام امکانات برای توسعه دادن مناسبات ما بر مبنای معقول و قابل قبول برای طرفین موجود است و این امر البته بر بهبود روابط سیاسی بین اتحاد شوروی و ایران تأثیر خواهد گذاشت.

برای توسعه چنین روابطی امکانات مطلوبی فراهم میشود، چرا که نهاد اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اصول سرمایه داری را نفی پذیرد. به همین سبب علاقه ما نمیتواند بسوی دنیای سرمایه داری باشد. تمام شرایط برای بسط دوستی واقعی با اتحاد شوروی وجود دارد.»

در مورد توسعه روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی آقای پرفسور مکرری اظهار داشت: « کشورهای ما از نظر روابط فرهنگی بسیار بهم نزدیکند... من اطمینان دارم که روابط فرهنگی ما بسط و تحکیم خواهد یافت. در اتحاد شوروی آثار زیادی در موضوعات فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران با تیراژ زیاد چاپ و منتشر میشود.

بقیه در صفحه ۴

زود بمیدان آمدند و فرصت را از چنگ مردم ربودند. حالام میخواهند همان صحنه را تکرار کنند و اگر بتوانند ستارخانها و حیدر عمواغلی های انقلاب را، سه نیست نمایند.

ولی مردمیکه در این انقلاب دهها هزار شهید دادند، بکلی خواست دیگری دارند. آنها امپریالیسم امریکامحندیش را دشمنان استقلال ملی و حاکمیت خلقی میدانند و میخواهند ریشه سیاست نو- استعماری امپریالیسم در ایران برکنده شود. میخواهند صدها قرارداد نظامی، تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی سری و علنی با امپریالیسم لغو گردد. میخواهند عمال در پسرده و بی پرده امپریالیسم از مقامات حاسن جامعه ما دور شوند. زیرا این شرط اصلی مستقل بودن است و مستقل بودن پایه اساسی آزاد بودن آزادی، در چهارچوب سرمایه داری وابسته و اسارت در چنگ امپریالیسم، ممکن نیست.

مردمی که در بخش انقلاب، به بزرگترین پایدارهای حماسی، که در تاریخ انقلابات کم نظیر است، دست زده اند، میخواهند اکثریت جامعه در تعیین سرنوشت کشور شریک گردند، میخواهند جلوی غارتگری سرمایه های بزرگ وابسته گرفته شود، میخواهند حقوق اقلیت های ملی و خود مختاری آنها تأمین گردد. آنها نیل به این هدفها را شرط آزادی واقعی میدانند، نه اینکه چند روزنامه امکان یا بند که شیرین زبانی کنند و یا چند گروه و راجل سیاسی بتوانند جلوه گری نمایند، و در پس پرده این شیرین زبانیها و جلوه گریها، امپریالیسم و سرمایه وابسته به غارتگری خود کماکان ادامه دهند.

ما بین این دو مضمون، مثنی لبرالی و مثنی دمکراتیک تفاوت ماهوی است. حوادث روزهای اخیر، بحث در کنگره امریکا، واکنش جامعه ما، نمایش ضد امپریالیستی مردم ایران، نطقهای عده ای در کنگره و کلای دادگستری، همراه

بقیه در صفحه ۲

- رویدادهای ایران
- ۱- حرف کافی نیست، قاطعانه عمل کنید
- ۲- قضاوت کنید، دشمن اصلی انقلاب ایران کیست؟
- ۳- اشتباه نشود! مردم خواهان لغو قرارداد های اسارت بار هستند.
- ۴- بزرگداشت روزبه در سنج
- دشمنان خبرها در صفحه ۲۷

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۱
توطئه‌هایی از همه...

با اظهارات برخی از رجال و روحانیون هوادار آنها، واکنش امام خمینی و دیگر سخنگویان حزب جمهوری اسلامی در قبال این اظهارات و توطئه‌ها، همه و همه جلوه‌هایی از تشدید برخورد این دوشمنی است. حزب ما معتقد است که علی رغم برخی سخنان و ادواریها و اعمال جداگانه، مشی تقی‌مبادی شده از جانب روحانیت مترقی، از جهت ماهیت اجتماعی خود، بمراتب پیش از مشی تقی‌مبادی شده از طرف برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مخالف این روحانیت، جلوه‌گاه آرمان‌های خلقی است و به همین جهت حزب ما وظیفه خود را در مبارزه با این مشی، که در رهبری قاطع امام خمینی متجلی است، پیش‌بینی می‌کند و تا زمانی که این مشی در مسیر درست خویش پیش می‌رود (که بنظر ما پیش می‌رود)، اجراء این وظیفه ادامه خواهد یافت. برای مامولت بر سر نسوعی «مصلحت‌اندیشی» و «منظنه‌گرایی» نیست، بلکه مسئله بر سر مشی اصولی است که حزب طبقه کارگر غیر از آن حق ندارد عمل کند.

ما در همین جا باید بگوئیم که حزب توده ایران، نه خواستار پیدایش این دوگانگی وجدائی بوده و نه مسئول آن. حزب ما، در اسناد مصوب شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی و از نخستین روز اعلام نظریات خویش در روزنامه «مردم» همه نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب، از هواداران امام خمینی (که اینک در حزب جمهوری اسلامی متشکل شده‌اند) گرفته تا «جبهه ملی» و سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروها را، خواهانند تا در «جبهه متحد خلق» متحد گردند و برنامه کار انقلاب را، بر اساس توافق براب حقوق، مشترکاً تهیه کنند.

ولی نخستین نیرویی که نه فقط به این دعوت مکرر حزب، پاسخی نداده، بلکه آشکارا به آن پشت کرده و با سایر نیروهای انقلابی، و قبل از همه و پیش از همه با امام خمینی و حزب توده ایران، سرسختی در پیش گرفته، بورژوازی لیبرال است. چرا؟ زیرا بورژوازی لیبرال تصور می‌کند که با برخورداری مستقیم و غیر مستقیم از پشتیبانی جهان سرمایه‌داری، خواهد توانست انقلاب را در مسیر دلخواه خود بيفکند، لذا باید در راه تضعیف رهبری امام خمینی و نیروهای پشتیبان آن، از جمله ویویژه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، منفرد کردن آنان و تأمین سرکردگی خود در انقلاب وارد میدان شود. شایان توجه است که بورژوازی لیبرال این تلاش را در زیر نام مورد احترام شادروان دکتر محمد مصدق انجام می‌دهد و می‌گوید نام «مصدق» را وسیله تضعیف و بی‌اعتبار کردن نام «خمینی» قرار دهد. و حال آنکه در نزد همین پرستان واقعی، عمل امام خمینی تکمیل عمل دکتر مصدق است نه خلاف آن، و مقابله با دادن این دو شخصیت مهمن پرست، کاری است بیش از مضر. امام خمینی آرزوهایی را برآورده کرده است که دکتر مصدق، بملل گوناگون عینی و ذهنی و تاریخی، قادر به انجام آنها نشده. لذا ما هرگونه قسار دادن «مصدق» در مقابل «خمینی» را عمل خلاف نیت و اندیشه‌های خود دکتر مصدق می‌شماریم.

از نیروهای خرابکار و تفرقه افکنی که با ماسک «چپ» و «انقلابی» و «مارکسیستی» که در این سیاست نادرست و زیان‌بخش همگام بورژوازی لیبرال شده‌اند که بگذریم، شایان توجه و مایه تأسف است که برخی گروه‌های صادق‌چپ نیز، با انگیزه‌هایی مختلف ذهنی و غالباً عارضی، میل به تصورش خود، در همین راه گام بر می‌دارند و برای ضد انقلاب امید و عرصه عمل ایجاد کرده‌اند. اگر آنها این واقعیت را نمی‌بینند، سیر حوادث، دیر یا زود، این مطلب را به آنها روشن‌تر نشان خواهد داد.

حزب ما همچنان با قاطعیت و بی‌گیری در راه اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی، همه نیروهای میهن‌پرست

حرف‌گاشی نیست، لطافانه عمل کنید

آقای دکتر صادق طباطبائی، معاون وزارت کشور، در گفتگویی با خبرنگار روزنامه اطلاعات در مورد قانون جدید اساسی ایران گفت که در چند روز آینده پیش‌نویس قانون اساسی منتشر خواهد شد. او گفت متنی که قبلاً منتشر شده بود، پیش‌نویس قانون اساسی نیست و در متن پیشنهادی قانون اساسی، عبارتی مانند «نمایندگان مجلس شورای ملی چپ‌گرا و یسار راست‌گرا نباید باشند» نیست.

دکتر طباطبائی در همین گفتگو به یک مساله روز و مهم دیگر اشاره کرد که بقیه ما دولت باید با قاطعیت هر چه بیشتر درباره آن اقدام کند؛ از تقویت ضد انقلاب در بیرون از مرزهای ایران که به نوعی با درون مرزها ارتباط دارد، جلوگیری شود. البته این مساله با خروج ثروت‌های ملی و پناهنده شدن و فرار غارتگران ثروتهای ملی ایران نیز ارتباط مستقیم دارد.

وی گفت افرادی که پرونده‌های جنائی و حیف و میل اموال عمومی در دادگاههای ایران دارند و باید محاکمه شوند، نباید از سوی کشورهای دیگر پناهنده محسوب شوند و از حق پناهنده‌گی استفاده کنند. طبق قوانین بین‌المللی کشورهای خارجی نمیتوانند باین افراد که مجرم سیاسی هستند، پناهنده‌گی سیاسی بدهند، اگر کسی دلتی بخواهد که به یک کشور خارجی پناهنده شود، این حق را دارد، ولی افرادی که متهم و مجرمند و در ایران پرونده دارند و احیاناً اگر در ایران می‌بودند، ممنوع‌الخروج بودند و اینک در کشورهای اروپائی مشغول پرسه زدن هستند، اگر تقاضای پناهنده‌گی سیاسی کردند، دولت مربوطه قبل از اینکه در این مورد اقدام کند، باید با دولت ایران ارتباط بگیرد تا اگر پرونده‌ای در مورد تقاضا دهنده وجود داشته، در اختیارشان گذاشته شود. ما ضمن تأیید این اظهارات خواهان انتشار لیست ممنوع‌الخروجها و کسانی هستیم که باید تسلیم دادگاهها شوند و اکنون یا در گوشه‌گوشه‌های ایران پنهان شده و سرگرم توطئه‌اند یا به خارج از ایران گریخته‌اند و اغلب در توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران می‌ریزی میشود یا عمل‌دست دارند و یا پولشان نقش حساسی را ایفا میکنند. در این زمینه باید توسط سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر به تمام دولتهای این کشورها در این زمینه هشدار داده شود و از تمام آنها تقاضای همکاری در این مورد شود.

تقاضای کفایت، دشمن اصلی انقلاب ایران کیست؟

در حالیکه از جوانب مختلف و با نیرنگهای رنگارنگ سعی میشود، امپریالیزم امریکا از زیر ضربات پیاپی انقلاب ایران خارج شود، و جبهه‌های موهوم دیگری بعنوان دشمن در برابر مردم انقلابی ایران میکشایند و حتی نخست وزیر دولت موقت در سخنرانی عجیب و در تاریخ ماندنی خود بمناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد، اسرائیل را دشمن اصلی انقلاب ایران قلمداد میکند و درباره امریکا لب‌ازل نمی‌گشاید، در روزهای اخیر، از زبان آقای ماسترون سفیر امریکا در کویت، که از کارشناسان سیاست استعماری و امپریالیستی امریکاست و در منطقه خاورمیانه نقش فعال دارد، حقایقی انتشار یافت که گوشه‌ای از مزاج چشمه سیاست ضد بشری امریکاست و ارتباط مستقیم با انقلاب ایران دارد. این اظهارات را بخوانید، و یکی از اصول سیاست امریکا گسترش راه‌های کمک به کشورهای منطقه بمنظور تحکیم وسائل دفاعی (همان سیاستی که منجر به حضور ارتش ایران بعنوان زاندارم زیر فرمان امریکا در منطقه شد و میلیاردها دلار اسلحه امریکا را در مقابل نفت و فلاکت روزافزون مردم ایران بطرف ایران سرازیر کرد) خودشان است. آقای ماسترون در همین اظهارات اشاره به سفر یک هیات نظامی امریکا به سرپرستی آلفرد دیتل کرد، که ماه پیش (بعد از پیروزی انقلاب ایران) و در هم‌کوبی شدن ارتش و پایان نقش ژاندارمی ارتش شاهنشاهی ایران) برای بررسی امکانات اعطای کمک‌های آموزشی به نیروی دریائی کویت به خلیج فارس صورت گرفت.

برای جلب نظر هر چه بیشتر دولت موقت، نخست وزیر دولت موقت و تمام رهبران انقلاب و کسانی که قلبشان برای ایران و انقلاب و استقلال آن می‌تپد، این خبر را هم از روزنامه القیس می‌آوریم که از واشنگتن گزارش شده است: «کاخ سفید طرح سائروس ونس، وزیر امور خارجه امریکا، برای ایجاد یک فرماندهی خاورمیانه‌ای در پنتاگون را بررسی کرد. همین روزنامه نوشته است که ژنرال رالف لاورنس، که سه ماه در عربستان سعودی اقامت داشته تا اوضاع نظامی و منطقه را از نزدیک بررسی کند (در گرما گرم انقلاب ایران و در آستانه سقوط رژیم وابسته به امریکای شاه مخلوع، امریکا حتی پشت مرزهای ایران و در کشورهای منطقه هم

های دیگر را بخدمت گرفته‌اند و با سازمانهای مخفی و علنی با وسائل مجهز و پول بی‌حساب در سراسر کشور گسیب فعالیتند.

توطئه‌های رنگارنگی در دست راستین دوستان واقعی مردم، انقلابیون راستین باید هشدار باشند و در دامهای گسترده این توطئه‌ها نیفتند و پای خود را بموقع بیرون بکشند و برای عقیم ساختن این توطئه‌ها متحد گردند، زیرا اگر نیروی امریمنی امپریالیسم بادیوار یک تپسارچه اراده مردم رو ببرد، ناچار به تسلیم و محکوم به شکست است.

این واقعیت را هم هرگز نباید از یاد برد که از تفرقه یاضد انقلاب استفاده میکند و با انقلاب مجبور میشود یاران دیروزی خود را، که امروز نمی‌خواهند همگام باشند، در سیر راه باقی بگذارد و به سیر ناگزیر خویش ادامه دهد. این قانون انقلاب است و بقول حافظ «میادگی که در این نکته شایسته در پیب کند»

ا همه امکانات خود برای جلوگیری از پیروزی قطعی انقلاب ایران استفاده میکرد و برخلاف اظهارات آقای نخست وزیر واقعیت را که بخواستن خلق ایران برای استقلال و آزادی بود، نه برافتنه بود) نامزد تصدی فرماندهی نیروی نظامی یکصد زار نفری امریکائی، مامور عمل «سکوب انقلاب» در منطقه خلیج فارس شده است. تا کنون ۳۰ هزار نفر از افراد این نیرو آموزش جنگ‌های صحرائی دیده‌اند.

باز هم دشمن اصلی ایران را نشناخته‌اید!

اشتباه نشود! مردم خواهان لقب قراردادهای اسارت‌بار هستند آقای ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در گفتگویی با خبرنگار نیاتید پرس گفت که ایران قصد ندارد موافقت‌نامه‌های خود را با آن شرکتهای امریکائی که توانسته‌اند طرح‌های در دست‌اجرای خود را در ایران به پایان برسانند، بگویند، زیرا میخواهد اطمینان یابد که آنها کارهای ناتمام خود را به پایان خواهند رساند. در مورد لقب قراردادهای بین ایران و امریکا، آقای یزدی در همین گفتگو اظهار داشت که همه قراردادهای لغو نمیشود، زیرا بطور مثال یک شرکت امریکائی قراردادی با ایران امضاء کرده است برای نصب ۹۰۰ هزار تلفن. این شرکت تا کنون از ۶۰۰ میلیون دلار ارزش قرارداد، ۳۰۰ میلیون دلار آنرا دریافت کرده است، حال آنکه فقط ۳۰۰ میلیون نصب کرده، که هنوز هم به کار نیفتاده است. فکر میکنید چنین قراردادهائی را باید لغو کرد؟ ما این شرکت را مجبور میکنیم که طرح را بر اساس مقررات بین‌المللی به پایان برساند. وزیر خارجه همچنین گفت که دولت هنوز نمیداند که چند هزار موافقت‌نامه بین ایران و دولتهای خارجی وجود دارد. ما از تمام وزارتخانه‌ها خواسته‌ایم که اطلاعات مربوط به این گونه قراردادهای را فراهم آورند.

در این گفتگو از آنچه صحبت به میان نیامده است، قراردادهای نظامی و در رأس آنها قرارداد ننگین و اسارت‌بار دو جانبه بین ایران و امریکاست، که خلق ایران خواهان لغو هر چه سریعتر آنست و دلیل تعلل در این زمینه را از سوی دولت موقت هنوز نمیداند، والا در باره قراردادهائی که نمونه‌ای از آنرا آقای وزیر خارجه مطرح کرده است کدام ایرانی است که نداند و یا نخواهد تا آخرین ریالی را که برای انجام طرحها پرداخت شده، باید یا پس گرفته شود و یا طرح مورد نظر تمام و کمال اجرا شود؟

بزرگداشت روزبه در سمنج

دوستان ما در سمنج با شایستگی مراسم بزرگداشت رفیق شهید خسرو روزبه را بموقع خود برگزار کردند، ولی گزارش آنها گویا در راه گم شده یا توسط پست نرسیده، بنحویکه اخیراً یک گزارش دیگر فرستاده‌اند. آنها یادآوری میکنند که مراسم با شکوهی در سالن کوروش سابق برگزار شد، که از شهرهای دیگر کردستان هم هواداران آمده بودند و محیط سرشار بود از صداقت و شور و هیجان. شاید برای اولین بار بود که مردم کردستان توانستند آشکارا یاد این قهرمان بزرگ ایران را گرامی دارند، برای اولین بار دور از سر نیزه و کلاه خود عمال امپریالیسم امریکا. در این مراسم پس از سخنان نماینده جوانان و سرود حزب و سخنرانی پیرامون زندگی و نبرد روزبه قهرمان، دو تن از زندانیان سیاسی، رفیق اسماعیل ناصری و رفیق کامران صحبت کردند. رفیق ناصری همگان را فراخواند که بپایند راه قهرمانان را پی گیری کنیم. رفیق کامران گفت:

آنانکه موزیانه سعی میکنند روزبه را از حزبش جدا کنند، باید بدانند که روزبه خود هویت خویش را روشن کرده است. روزبه یک انترناسیونالیست بزرگ بود.

پیامهای مختلفی از کرمانشاه و قصر شیرین و قره و همدان قرائت شد. بزبان کردی مردم شعارها میدادند.

یک دوست کارگر سخنانی پر شور گفت که مورد توجه حضار قرار گرفت. چندین شعر در باره روزبه و همچنین شعر وحدت و تشکیلات لاهوتی بر نامه را کامل کرد.

«مردم» از خوانندگان خود بعلت اینکه گزارش، مستقل از خواست و آگاهی ما دین نرسید، پوزش میطلبیم و برای دوستان کرد خود موقیتهای همه جا به درآرزو میکنیم.

بقیه از صفحه ۱

پرفسور مگری...

مالیه اذ دانشمندان شوروی بمناسبت مساعی که می‌نمودند در روی آثار مربوط به فرهنگ و تاریخ ایران کار میکنند، سپاسگزاریم. امیدواریم که در آینده دانشمندان شما، همراه با دانشمندان ایران، کتابهای جالبی درباره خاورشناسی، ایران‌شناسی و اسلام برشته تحریر در آورند.

من امیدوارم که روابط در رشته‌های فرهنگ، علم، اقتصاد و بازرگانی با موفقیت در آینده بسط و گسترش یابد. ما باید نزدیک‌تر با هم همکاری کنیم. مناسبات میان کشورهای ما بر اصول سالم مبتنی است. کوشش در زمینه نزدیک ساختن کشورهای ما باتفه هر دو ملت خواهد بود.

پرفسور مگری، که برای دادن گزارش و تبادل نظر با امام خمینی و دولت اینک در تهران است، در مصاحبه‌ای با خبرنگاری پارس گفت:

«دولت و مردم شوروی انقلاب ایران را یک حماسه جهانی تلقی می‌کنند، پرفسور مگری اعلام کرد که روابط ایران و شوروی بسیار خوب است و افزود:

«مقام‌های دولت شوروی قول داده‌اند که هیچوقت در امور داخلی ایران مداخله نخواهند کرد».

سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اظهارات لئونید برژنف، گفت: «دولت شوروی هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران را محکوم کرده و علیه دخالت‌های کشورهای دیگر اخطار داده است».

پرفسور مگری گفت: در ایران بعضی چپ‌گراها و عمالی که معلوم نیست از کدام مواضع سوسیالیستی و امپریالیستی الهام می‌گیرند، خودشان را برای تجزیه طلبی به شوروی می‌چسبانند. وی از قول مقامات دولت شوروی اعلام کرد که «دولت شوروی با گروه‌های تجزیه‌طلب، که خود را به چپ وابسته می‌سازند یا به چپ‌گرایی تظاهر می‌کنند، که احتمالاً ساواکی و عمال اسرائیل هستند، هیچ ارتباطی ندارد» پرفسور مگری در مورد قراردادهای ایران و شوروی گفت: دحتی بدخواهان نمی‌توانند متکثر نقش مثبت همکاری‌های اقتصادی ایران و شوروی شوند، زیرا بر اساس اظهارات مقام‌های شوروی، روابط اقتصادی و فنی، یا بهره‌برداری سیاسی شوروی ارتباط ندارد.

پرفسور مگری در این مصاحبه به تأمین منافع بیشتر در روابط اقتصادی ایران و شوروی، برای ایران تأکید کرد و گفت یک هزار نفر از ایرانیان مقیم شوروی تقاضای بازگشت کرده‌اند و با تقاضای آنها موافقت شده است.

اخبار کارگری

اعتصاب کارکنان ایران ترمینال وابسته به بندر شهید مشهر

در تاریخ ۱۷/۲/۵۸، کارکنان شرکت پیمانی ایران ترمینال، بعلت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، طی اعلامیه‌ای آغاز اعتصاب نامحدود را اعلام کرده در برابر ساختمان اداره بندر جمع شدند. از جمله خواسته کارکنان، رفتن زیر پوشش استخدامی اداره بندر است. به خواسته‌های اعتصابیون تاکنون هیچگونه پاسخی داده نشده است، ولی در تاریخ ۲۶/۲/۵۸ نامه‌ای در تأیید خواست اعتصابیون از طرف دفتر امام به نمایندگان اعتصابیون رسیده است.

کارکنان ایران ترمینال، بعلت عدم توجه به خواسته‌هایشان تصمیم گرفتند، روز ۲۹/۲/۵۸ در محیط بندر دست به راه پیمانی آرام بزنند.

کارگران شرکت گاز خواهان دفترچه درمان مستقیم هستند

کارگران شرکت بوتان گاز شهر، ضمن نامه‌ای به وزیر کار و امور اجتماعی می‌نویسند:

«مادر حدود شصت نفر کارگر در این شرکت مشغول کار هستیم، که اکثر آنها فاقد مسکن و اجاره نشین می‌باشیم. در حدود ۷۰٪ حقوق ناچیز ما بابت کرایه منزل می‌رود و قسمتی از آن بابت مالیات و حق بیمه کسر می‌شود. دفترچه تأمین اجتماعی که بماداده‌اند، قابل استفاده نیست، زیرا اولاً درمانگاه بخصوصی که کارگران را می‌پذیرد، با سانی در دسترس نیست و پس از میلیتی پول تا کسی دادن و از این خیابان تا آن خیابان و از این کوچه به آن کوچه رفتن، تازه پزشک مربوطه بدون معاینه، دوعدد قرص کهنه و ته‌انبار مانده بدست بیمار می‌دهد و او را با همان خدا رها می‌کند. حالا چرا در دادن دفترچه‌های بیمه در این مملکت تبعیض وجود دارد و چرا بدهای دفترچه‌های درمان مستقیم و بدهای دیگری دفترچه تأمین اجتماعی داده می‌شود، که قابل استفاده نباشد، معلوم نیست، از اینجبهت تقاضا داریم نسبت به تبدیل دفترچه‌های تأمین اجتماعی به دفترچه درمان مستقیم اقدام شود و در غیر این صورت

دفترچه‌های تأمین اجتماعی را از ما پس بگیرند و پولی را که تاکنون بابت آن از دستمزد ما کسر کرده‌اند، بمسما مسترد دارند.»

راه پیمایی کارگران شرکت پوچ

روز شنبه ۵ خرداد ۱۳۵۸، کارگران شرکت پوچ بقصد راه پیمایی در میدان خمینی قائم‌شهر تجمع نمودند. کارگران خواستار رسیدگی فوری و جدی بوضع خود شدند. کارگران شعارهایی با خود حمل می‌کردند که در میان آنها شعار، «حقوق کارگر پرداخت گردد» - «نباید کارگر بیکار گردد» - «جلب توجه مگرد». کارگران قصد داشتند در سالن فرمانداری اجتماع کنند ولی در فرمانداری بسته بود همسر یکی از کارگران شرکت پوچ، که راننده شرکت بوده و در یک حادثه رانندگی جان خویش را از دست داده، ضمن یک سخنرانی مؤثر توجه حاضران را بوضع دشوار معیشت خود و کودکانش جلب کرد و از اجحاف کارفرما سخن گفت. خواست کارگران عبارتست از: رسیدگی فوری مقامات مسئول به مشکلات و دردهای آنان. آنها می‌خواهند که مجدداً سر کار خود بازگردند. کارگران خواستار دریافت مزد ایام بیکاری خود و مزایایی که در این مدت با آنها تعلق می‌گردد، هستند. کارگران که در زمان اشتغال، حق بیمه پرداخته‌اند، هیچوقت بیمه نشده‌اند و برایشان اکنون مسلم شده که کارفرما میلیتی از حقوق ناچیز آنها را بتوان حق بیمه میدزدیده است.

کارفرمای شرکت پوچ که یکی از سرمایه‌داران کلان است، پرداخت حقوق معوقه کارگران و خسارت ایام بیکاری را موقوف به وصول طلب خود از اداره آبیاری کرده است. کارفرما از پرداخت خسارت از کار افتادگی به چند نفر از کارگران شرکت، که یکی از آنها دچار سانحه شده و دست و پایش شکسته و دیگران در نتیجه سوختگی ناشی از قهر مذاکره کاملاً علیل شده بودند، خودداری کرده است. کارگران که بی‌توجهی کارفرما و دولت را نسبت بخواسته‌های خود می‌بینند، کارفرما را در مهمل شرکت نزد خود نگه داشته‌اند.

مصاحبه نماینده «مردم» با عبدالرحمن ابومیزر

سخنگوی رسمی کمیته اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین

خارجی که باهم کار میکنند و طبق نقشه مطالعه شده مشترک عمل مینمایند. وی سپس از اشاره به عمل ضدانقلاب در شیلی، غنا، آندونزی، مصر و غیره تاکید کرد که:

«برای بریدن راه برضد انقلاب... تعمیق وحدت و اتحاد میهنی نیروهای طرفدار انقلاب، ضرور است و باید دست ضد انقلاب را از وسائلی که به آن متکی است کوتاه کرد، سلاح سیاسی و اقتصادی و غیره را که به آنها متکی است از دستش گرفت.» عبدالرحمن ابومیزر بر روی وجود خطر امپریالیسم انکشت تاکید نهاد.

سخنگوی کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین به پرسش دیگری مبنی بر اینکه: «آنگون که رژیم طاغوتی در ایران ساقط شده، سازمان آزادیبخش فلسطین چه انتظاری از ایران دارد، نقشه امپریالیسم و صهیونیسم را برای سلطه بر منطقه خاورمیانه، با اشاره به انواع دسائس، تشریح کرد و اظهار داشت، که:

«قرارداد مصر و اسرائیل در حقیقت یک پیمان نظامی مصری-اسرائیلی-امریکائی است که جانشین پیمان سنتو شده است «تایر همین زمینه» سادات بجای شاه مخلوع عهده‌دار نقش ژاندار، در خاور میانه و آفریقا گردد. لوظیفه این قرارداد از بین بردن مسئله فلسطین و سرکوب جنبش آزادیبخش در کشورهای عربی و اسلامی و آفریقای و از جمله سر-کوب انقلاب ایران است... منطقه خاور-میانه برای امپریالیستهای امریکائی یک منطقه حیاتی است... و اگر خلقهای این منطقه بتوانند این نقشه امپریالیسم و صهیونیسم را در این منطقه عقیم سازند...

پیروزی مهمی در مبارزه برضد استعمار و امپریالیسم جهانی بدست آورده‌اند، عبدالرحمن ابومیزر نتیجه گرفت که: «خلقهای این منطقه، و از جمله خلق فلسطین و خلق ایران، همه سرنوشته واحد دارند و بنابراین باید دست در دست یکدیگر علیه دشمن مشترک متحد و مشترکاً مبارزه کنند... ما باشما در مبارزه ضد امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بین‌المللی در یک سنگر قرار داریم. خلق فلسطین برای خود، بیش از آنچه خلق ایران و خلقهای منطقه برای خود میخواهند، طلب نمیکند. خلق فلسطین پیروزی بیشتر برای نیروهای انقلابی، همکاری بیشتر بین نهضت آزادیبخش خلق عرب و انقلاب ایران را میطلبند... خلق فلسطین از روی آزمایش و تجربه خود و شناخت قدرت دشمنانش، بلزوم حفظ روابط دوستی و همبستگی با تمام نیروهای آزادیبخش و مترقی جهان ایمان دارد و کوشش میکند تا بیش از پیش بشناساند مبارزه خویش در عرصه بین‌المللی نائل گردد... خلق فلسطین به خلق ایران و به نیروی پرتوان آن و به رهبران آیت‌الله خمینی درود میفرستد و تداوم انقلاب ایران را تأیید میکند... پیروزی بیشتر انقلاب ایران همانا پیشرفت و پیروزی ماست.»

در پاسخ به این سؤال که: «چه پیمانی برای خلق ایران دارید؟» عبدالرحمن ابومیزر، در پایان سخنانش اظهار داشت: «بنام برادر مبارز یاسر عرفات و کمیته اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین، به خلق قهرمان ایران و رهبر بزرگ آن آیت‌الله خمینی و به تمام مبارزان راستین ایران، که از مبارزه خلق فلسطین و انقلاب آن به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین - یگانه نماینده قانونی و حقیقی آن - پشتیبانی میکنند، درود و سپاس فراوان میفرستیم.»

جهانی بر ضد استعمار و امپریالیسم و صهیونیسم و نژاد پرستی، بسود آزادی و مصالح خلقها حاصل آمد.»

سپس در پاسخ پرسش نخستین، وی تاکید کرد که: «انقلاب ایران، باواژگون ساختن رژیم شاه وظیفه خود را بپایان نرسانده، بلکه انجام آنرا آغاز کرده است. اکنون باید تمام آثار زمان استبداد از بین برود و نیز بنای نوینی-اقتصادی نو، سیاسی نو، اجتماعی نو-ساخته شود و این هر دو، پهلوی به پهلوی و مکمل یکدیگر، باید پیش برود.» عبدالرحمن ابومیزر در اینجا به فتنه‌گریها و دسیسه‌کاریهای امپریالیسم توجه داد و افزود که:

«وجود چنین خطری باید تمام دوستداران انقلاب را وادار کند که بیدار باشند و باهم همکاری فشرده و مستحکم داشته باشند و از انقلاب حمایت کنند، تا هدفی که مردم ایران برای آن انقلاب کرده-اند، بدست آید.»

عبدالرحمن ابومیزر در پاسخ به این پرسش که: «بنا به عقیده و بنا به تجربه شما، باضد انقلاب چگونه باید مقابله کرد؟» اظهار داشت که:

«ضد انقلاب دونوع است: داخلی و

چندی پیش نماینده «مردم» با عبدالرحمن ابومیزر، سخنگوی رسمی کمیته اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین و رئیس دایره روابط بین‌المللی این سازمان، مصاحبه‌ای در دمشق بعمل آورد، که اینک خلاصه‌ای از آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» میرسانیم:

نماینده «مردم» ابتدا میگوید که: «انقلاب ایران ضربه‌سختی بر امپریالیسم و صهیونیسم وارد آورده و آنگاه میپرسد که: «شما چه انتظاری علاوه بر آنچه حاصل شده، از انقلاب ایران دارید؟»

قبل از پاسخ به این پرسش، عبدالرحمن ابومیزر انقلاب ایران را مورد تصحیح قرار داد و آنرا مایه افتخار دانست. وی انقلاب ایران را یک انقلاب تاریخی ارزیابی کرد که راه را برای ایراد ضربات دیگری بر امپریالیسم و صهیونیسم باز میکند. وی گفت که: «موفقیت این انقلاب، در نتیجه قوه و قدرت انقلابی عظیم خلق قهرمان ایران، به رهبری آیت‌الله خمینی، و شیوه‌های نوینی که بکار رفت و نیز در نتیجه رشد و قدرت نیروهای رزمنده

پرسی برای اندیشیدن

کردن این حزب، برای منفرد کردن این حزب بکار نرفته‌اند. و این طبیعی است. نشانه وفاداری حزب توده ایران به خلق، به زحمتکشانش، به طبقه کارگر ایران، به آزادی، استقلال و پیشرفت میهن ما، و لذا مایه افتخار حزب توده ایران است. ولی چگونه است که کسانی که مدعی مبارزه با این دشمنان اصلی و واقعی مردم ایران و انقلاب ایران‌اند. با این دشمنان ما در دشمنی با حزب توده ایران هم‌زمان و هم‌گام‌اند؟ این شباهت و یکسانی از کجا سرچشمه میگیرد؟ آیا این پرسش بجائی نیست برای اندیشیدن؟

امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و بوسیله سازمانهای جاسوسی اش مانند سیا، انتلیجنس سرویس و موساد، ارتجاع ایران، بسرکردگی شاه مخلوع و بوسیله سازمان پلیسی اش ساواک - یعنی همه آنهائی که مظهر خیانت، جنایت، غارتگری، فساد، جاسوسی، ترور و اختناق‌اند و در عین حال دشمن اصلی و واقعی مردم ایران و انقلاب ایران‌اند، حزب توده ایران را دشمن اصلی و واقعی خود میدانند و در تمام دوران ۳۸ ساله حیات این حزب، تمام نیروی جهنمی مادی، سازمانی و تبلیغاتی خود را برای درهم کوبیدن این حزب، برای بی‌اعتبار

دهقانان حزب خود را دوست دارند

یکی از دوستان «مردم» طی نامه خود مینویسد: «با وجودی که ده سال از دوران فعالیت پرشور حزب توده ایران در میان دهقانان میگذرد و حکومت شاه رسته این فعالیت را قطع کرد، با اینحال دهقانان همچنان حزب خود را دوست دارند و آن چنان از حزیشان سخن میگویند که گوئی همین چند روز پیش بود که در صفوف حزب فعالیت میکردند. وی مینویسد: «چندی پیش برای دهقانی از آذربایجان مطلب روزنامه «مردم» را درباره خسرو روزبه و مصاحبه سرگرد خیبری خواندم. این دهقان چنان گریست که همه ما را تحت تأثیر قرارداد. من بی‌بردم که این تنها یک برخورد شخصی با خاطره شهید عزیزی نیست. وقتی پای صحبت این دهقان نشستیم، ما حاصل صحبت‌ها را در یک جمله میتوانستیم خلاصه کنیم: زننده باد حزب توده ایران!»

این دهقان میگفت هنوز هم که هنوز است توده‌ای‌های واقعی قدیمی، منشاء خدمات زیاد هستند. و بین دهقانان محبوبیت دارند و چون در راه آرمان حزیشان بزنند این رفته و بدهقانان خدمت میکنند، برایشان احترام زیاد قائل هستند. حتی در سالهای سیاه سلطنت هم وجود این افراد و روش آنها همیشه حضور حزب را در منطقه اعلام میکرد. و این برای همه هواداران حزب باعث خرسندی است که حزب طبقه کارگر اینهمه در بین دهقانان آگاه پایگاه دارد، درخامه‌نامه، دوست ما مینویسد:

«این تماس با ده نشان داد که حزب پشتوانه دارد. در موقع حساس مردم ارزیابی کرده به تجربه خود رجوع میکنند و اینجاست که توده‌ای‌های وفادار و صادق سر بلندند و این افتخار حزب است.»

درمان و بهداشت دهات چاهستان دروضع دهشتناکی است.

چاهستان از بخشهای تابعه بندرعباس است و هر قدر رژیم ضدملی گذشته برای مخارج نظامی در بندر مایه گذاشت تا انحصارات خارجی سود ببرند، برعکس کمترین توجهی به نیازمندیهای رفاهی و ابتدائی ترین حوائج بهداشتی مردم دهات اطراف نکرد. در اطراف چاهستان، ۲۵ دهه وجود دارد، که در برخی سه هزار و چهار هزار نفر و در برخی چند صد نفر تاحی چند ده نفر سکونت دارند، زیرا دهات رو بخرابی است و مهاجرت روستاها را خالی می‌کند.

با این حال روستاهای مرده‌بیش از بیست و چند هزار نفر در این دهات ساکن هستند، اما از وسایل درمانی عملاً خبری نیست. برای این بیست و چند هزار نفر در ۲۵ دهه تنها یک درمانگاه و یک پزشک پاکستانی (در روستای قلعه قاضی) هست. از نظر کیفیت نیز سطح درمانگاه بسیار پایین است و معالجه جدی دهقانان بیمار امکان پذیر نیست. اهالی این روستاها تا بدینجا جانانشان بلب رسیده که میگویند حتی حاضرند برای نقل و انتقال یز شک و رفتن بدهات و سرکشی سیار، خودشان وسیله در اختیار بگذارند، ولی تاکنون این خواست آنان برآورده نشده است.

اخبار دهقانی

نمونه‌ای از ادامه ستم مالکان و غارت دهقانان

در منطقه سیاهو (استان ساحلی) دهی است بنام «فورخورج». بوضع مالکیت زمین در این ده توجه کنید تا به بینید چه اندازه دهقانان زیر فشار ستم و استعمار هستند و چقدر اصلاحات ارضی دروغین شاه مخلوع پوچ بوده و بالاخره چقدر روستاهای ما احتیاج بیک اصلاحات ارضی و واقعی بسود دهقانان زحمتکش دارند. در این ده، از شش دانگ، پنج دانگش سرراست متعلق بملکی بنام سید آقا فرمند. از یک دانگ دیگر، نیم دانگ متعلق بدو خرده مالک و فقط نیم دانگ بقیه متعلق بتمامی دهقانان ده است. آیا مالکیت این مالک محترم است و باید تا ابدالدله زمینها در دست او بماند؟ بخشی از این املاک دهها سال پیش از قوام فودال بزرگ خریداری شد و بقیه هم بمرور زمان با اعمال فشار، با زور و از راه خانه خراب کردن دهقانان بصرف مالک فعلی درآمد. مالک زمینهای خود را بنام اینکه باغ است و مرکبات دارد (۱) در دست خود نگاهداشت و چیزی بدهقانان نرسید. از یکسو او عده‌ای از دهقانان را بزمردور و کارگر کشاورزی بدل کرد و در بر این آبادان و نگاهداری مرکبات مزد میداد و از سوی دیگر سیستم فارس مالکی را وضع نمود. یعنی به دهقانی تقریباً از صد تا دویست متر زمین با استفاده از آب میداد تا مرکبات کشت کنند، ولی با به برنشتن درخت، نصف درختان میبایست به مالک متعلق باشد و نصف دیگر به دهقانان.

ممکنست بگوئید آخر اصل «زرع مال زارع است»، ولو آنکه فاسد باشد، چطور میشود؟ ولی دهقانان میگویند، نه تنها این استعمار آشکار ادامه یافته، بلکه حتی سیستم فارس هم رهايت نشده، یعنی مالک با «کمک» مامور اصلاحات ارضی سابق، اعمال نفوذ کرده و سستم را بشکل دو سوم سهم مالک و یک سوم سهم کشاورز در میآورد. دهقانان این ده بحق میگویند، آنچه در زمان طاغوت بود البته پس از انقلاب نباید باشد و لاقول سیستم فارس، همان نصف نصف رعایت شود، لاقول زمینهایی که مالک تا دامنه کوه خود به ثبت داده و از خانه سازی دهقانان معانت میکند، برای ساختن سرپناه بدهقانان واگذار شود، لاقول زمینهای با بر اطراف در اختیار دهقانان گذاشته شود تا در آنها کشت و زرع نموده آنها را آباد سازند.

یکی از دهقانان، همین اخیراً، بهنگام مسافرت مقامات دولتی، در برابر جمع گفت: «آیا خدا را خوش میآید که یک نفر آنهمه زمین داشته باشد و بقیه هیچ نداشته باشند؟»

این سؤال ساده دهقان، یکی از حیاتی ترین و اساسی ترین مسائل کشاورزی ما را مطرح میکند، مسئله اصلاحات ارضی و رساندن حق به حق دار، یعنی زمین به دهقان را. تا این مسئله گرهی حل نشود، نه کشاورزی ما روی آبادی خواهد دید و نه دهقانان ما روی زندگی خوش.

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

گفتیم که گروهک های مائوئیستی به این پرسش که اگر دهقانان و خرده بورژوازی شهری رهبری طبقه کارگر را نپذیرفتند... تا وقتی نپذیرفته... چه باید کرد، پاسخ روشنی نمیدهند و در عمل سیاست اتحاد با بورژوازی لیبرال را علیه وحدت کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی دنبال میکنند.

دولت پیوند بورژوازی لیبرال با قشرهای کمتر شناخته شده و کمتر منور بورژوازی وابسته... است.

قدرت حاکمیت سیاسی «کمیته امام» قدرت و حاکمیتی انقلابی و توده ای بود...

دولت خرده بورژوازی بود، دولت خلقی... بود. متطفاً باید مدعیان رهبری طبقه کارگر در گزینش یکی از این دو تریدینکنند. پرولتاریا منطقاً از «حاکمیت توده ها» و لاقول از دولت خرده بورژوازی حمایت میکند. اما نویسندگان «مبارزات...» درست در سر بزنگاه دچار تردید میشوند و به این نتیجه میرسند که اصولاً این حاکمیت دوگانه از میان رفته، دولت خرده بورژوازی تسلیم شده و خود را در خدمت بورژوازی گذاشته است. حاکمیتی که در توده ها نفوذ دارد، حاکمیتی «ناگسترده ترین پایه های خویش اراده خشمگینانه توده های مردم را منعکس میساخت» از آنجا که «اقتدار متوسط و متوسط پایین خرده بورژوازی از سیطره نیرومندی برخوردار بودند»، از مبارزه علیه امپریالیسم به مبارزه علیه طبقه کارگر برگشته است.

این دولت خلقی که ارگان حاکمیت خلقی بود... بدلیل حاکمیت خرده بورژوازی بر آن... نفوذ وسیع محافظه کاران بر آن ممکن شد. نفوذی که سمت حرکت آنرا از مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم به مبارزه علیه طبقه کارگر و کمونیست ها منحرف کرده و میکند.

حاکمیت دوگانه دیگر عملاً برآمده و یا آخرین نفسهای خود را میکشد. بورژوازی پیروز شده است.

«تاریخ فدای پیروزی قیام مسلمانان خلق می رود تا شکست خلق و پیروزی بورژوازی را بر سینه تاریخ ثبت کند.»

پس چه باید کرد؟ آقایان «مارکسیست-لنینیست» پاسخی نمیدهند و وظیفه خود را فقط با همین جمله، یعنی با اعلام شکست انقلاب، پایان یافته میدانند، ولی تمام کوشش خود را در طول نوشته بکار برده اند تا خشم خواننده را بطور عمده علیه خرده بورژوازی برانگیزند.

گروهک دیگر مائوئیست که کمی دیرتر (اردیبهشت ماه) اظهار نظر کرده، موضع صریحتری دارد. این گروهک با نام «دهن پرکن در زمین گان...» یا درجای های لنین گذاشته و «درسهای قیام» را جمع بندی کرده است. از جمله در مورد رهبری و به علت رهبری خرده بورژوازی و در چنگ گرفتن قدرت متوسط بورژوازی ملی، انقلاب اجتماعی در نیمه راه خود متوقف خواهد ماند.

فرجام قیام بنظر ایشان «مشتمل بر حاکمیت است» بر دهان همه کسانی که انقلاب را بدون رهبری طبقه کارگر ممکن میدانند، و نتیجه میکشند، «نمی توان در طول مبارزه بدنال خرده بورژوازی افتاد و به هنگام مشاهده ناپیکیری ذاتی خرده بورژوازی فریاد زد: مبارزه ضد امپریالیست را به پایان رسانید. باید به مبارزه ادامه داد و...»

پس چه باید کرد؟ بنظر آقایان «مارکسیست-لنینیست» باید در جریان مبارزه توده ها را به انجام مبارزات سیاسی ترغیب نمود، باید حزب و سازمانهای توده ای را توسعه بخشید و سپس (۱) در زمان معینی، به محض آنکه شرایط اجازه دادند، اقدام به تشکیل نیروهای مسلح انقلابی خلق و برپا کردن مبارزه مسلحانه نمود.

از نوشته های گروهک های مائوئیستی پاس و ترس از انقلابیکه انجام گرفته، نگرانی از ادامه و گسترش آن موج میزند. آنها از واقعیت فرار میکنند. مردم را از آینده انقلاب میترسانند. لبه تیز حمله آنها متوجه جناح قاطع انقلابی است، که خودشان رهبری خرده بورژوازی نامیده اند. از نوشته های مائوئیستی چنین برمی آید که پرولتاریا در عرصه نبرد برای پیشبرد انقلاب و تأمین همومنی طبقه کارگر با بورژوازی لیبرال، یعنی با جناح سازشکار بورژوازی ملی رقیب نیست، بلکه رقیب اصلی پرولتاریا گویا خرده بورژوازی است.

این برخورد مائوئیست ها نقطه مقابل آموزش مارکسیسم-لنینیسم است. بنیان گذاران مارکسیسم-لنینیسم وقتی از سرکردگی پرولتاریا سخن میگویند، آنرا در نقطه مقابل سرکردگی بورژوازی میگذارند و نه در برابر رهبری خرده بورژوازی. در سرتاسر اثر درخشان لنین، «دوکتیک سوسیال دموکراسی...» درست این اندیشه اصلی دنبال میشود که، اگر پرولتاریا نتواند دهقانان و خرده بورژوازی شهر را با خود متحد سازد، بورژوازی لیبرال برنده خواهد شد و انقلاب را به سازش خواهد کشانید.

بقیه از صفحه ۱ لایحه مطبوعات...

روش سیاسی، بیان شود. همین امر در ماده ۱۱۵ به این شکل بازم تصریح شده است، «اصول فکری و اعتقادی و روش نشریه باید در بالای صفحه اول کلیشه شود».

معنای این دو ماده در واقع تفتیش عقاید در روشن ترین شکل آنست، بویژه آنکه در دنباله ماده ۱۱ آمده است: «چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده میباشند» که در واقع چاپخانه ها مسئول اعمال سانسور شده اند.

ماده ۳ در این ماده و تبصره آن اعلام شده که مدیرمسئول، علاوه بر داشتن شرایط مندرج در ماده ۲ حداقل باید دارای صلاحیت علمی و حرفه ای باشد. سردبیر نشریه هم باید واجد همین شرایط باشد. صرف نظر از اینکه این شرط باز هم قابل تفسیر است، مرجع تشخیص این صلاحیت بازم وزارت ارشاد ملی شناخته شده با این تاکید: «وزارت ارشاد ملی مکلف است... تقاضا را قبول یا رد کند». باین ترتیب این وزارتخانه قادر خواهد بود بر احوالی اقتصاد دولت را بر مطبوعات حاکم کند.

تبصره اول ماده ۱۰ بازم به وزارت ارشاد ملی اختیار داده که امتیاز نشریاتی را که در حال حاضر چاپ می شوند، بعد از ۳ ماه از تاریخ تصویب لایحه بررسی کند. نشریات در حال چاپ تنها در صورتی امتیاز فکلی شان معتبر خواهد بود که با رعایت مقررات این قانون به تجدید امتیاز مبادرت کنند.

با استفاده از این ماده، وزارت ارشاد ملی خواهد توانست، با تجدید نکردن امتیاز، مانع انتشار هر یک از مطبوعات کنونی شود، که اکثریت آنها بند از پیروزی انقلاب منتشر شده اند.

در این ماده اعلام شده که اگر ظرف شش ماه پس از صدور امتیاز نشریه منتشر نشود، موضوع امتیاز ملغی است و همچنین عدم انتشار منظم نشریه بدون عذر موجه نیز موجب لغو امتیاز خواهد شد. این ماده نیز دست وزارت ارشاد ملی را برای لغو امتیاز نشریه باز گذاشته است.

علاوه بر این در موارد متعدد دیگری هم در لایحه برای لغو امتیاز یا توقیف نشریه امکاناتی در نظر گرفته شده است، از جمله در ماده های ۸، ۹، ۱۴، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۱۹.

در این ماده آمده، «ذیل هر مقاله یا مطلب بایستی نام واقعی نویسنده درج شود». این در واقع ادامه همان تفتیش عقایدی است که در مواد ۲ و ۱۱ و بویژه ماده ۵ اعمال شده و در آن خواسته شده که سردبیر هر نشریه ای به وزارت ارشاد ملی معرفی شود.

- ۱- جزوه «مبارزات»، ص ۳۰-۳۱
- ۲- همان جزوه، صفحات ۲۸ تا ۳۲
- ۳ و ۴- همان جزوه ص ۲۹
- ۵- همان جزوه صفحه ۳۶
- ۶- جزوه «چرا...» (ملاحظه میفرمائید خرده بورژوازی قیام را رهبری کرده و بورژوازی ملی (که اصلاً وجود نداشت) به قدرت رسیده و... واقماً که چقدر این «مارکسیست-لنینیست» های ما با سوادند!
- ۷- همانجا
- ۸- همان اثر، ص ۳۰

ماده ۱۷ در این ماده آمده است: «هر کس مقاله ای موهن به احکام و اصول دین اسلام و مضربه به انقلاب اسلامی ایران انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس جنحه ای محکوم میشود». این ماده، علاوه بر آنکه راه انتقاد را زیر پرده «موهن و مضربه به انقلاب اسلامی»، کاملاً بر مطبوعات بسته و ۳ سال هم حبس برای آن در نظر گرفته است، مثل اغلب مواد لایحه کاملاً قابل تفسیر و تعبیر است. یعنی هر مقاله و خبری را میتوان بیهل خود موهن به دین اسلام و مضربه به انقلاب اسلامی تلقی کرد.

این ماده می گوید: «هر گاه در مطبوعات مطالب توهین آمیز یا افترا و یا خلاف واقع و حقیقت، خواه به نحو انشاء و یا بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود...» اینجا نیز کلمات «توهین آمیز»، «افترا» و «خلاف واقع» کاملاً قابل تفسیر است و حتی راه را بر چاپ اخبار نیز می بندد. باید پرسید کدام ضابطه روشن می کند «واقع» چیست و «غیر واقع» کدام است؟

اصل ماده اینست: «هر کس بوسیله مطبوعات هیئت وزراء یا نمایندگان مردم یا هیئت قضات را مورد افترا قرار دهد، بدون شکایت شاکی خصوصی، تعقیب و مرتکب به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد». این ماده بصراحت تمام راه هر گونه انتقاد مطبوعات را بر مجلس و دولت و حتی قضات می بندد.

در این ماده چنین گفته شده: «هر کس بوسیله مطبوعات به اقلیت های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا آزادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید...»

از آنجا که این لایحه باید بعد از ۱۰ روز تصویب و اجرا شود، در لایحه روشن نشده منظور از قانون اساسی کدام قانون اساسی است؟ آن قانون اساسی که اکنون به یمن انقلاب و تغییر رژیم بی اعتبار شده یا قانون اساسی آینده که هنوز منتشر نشده است.

علاوه تولید نفاق و اختلاف... میان سکنه مملکت هم قابل تفسیر است. در این ماده انتخاب هیئت منصفه، که باید طبق ماده ۲۷ به جرائم ارتكابی بوسیله مطبوعات رسیدگی کند، به عهده هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر و نماینده وزارت ارشاد ملی گذاشته شده تا این هیئت از افراد مورد اعتماد عمومی ۱۱ نفر را انتخاب کند.

این ماده انتخاب هیئت منصفه را هم کاملاً بدولت می سپارد. این ماده اعلام می کند که هیئت منصفه فقط می تواند در باره دو مطلب ذیل نظر بدهد: الف، آیا متهم بزه کار است؟ ب، در صورت تفسیر آیا مستحق تخفیف میباشد یا خیر؟

به درستی، در این ماده اختیارات هیئت منصفه هم محدود میشود. در این ماده گفته شده که نشریاتی که بر طبق این لایحه توقیف میشوند،

نمی توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و روش منتشر شوند و در صورت انتشار توقیف خواهند شد. این ماده نیز، انتشار جرایم را محدود و موکول به دریافت امتیاز مجدد برای نشریه توقیف شده و مجبور به تغییر سبک و روش می کند.

لایحه جدید روح انقلاب را منعکس نمیکند چنانکه در نکات بالا ذکر شد، اغلب مواد لایحه جدید به آنچه مطبوعات نباید بنویسند اختصاص داده شده و در مورد آنچه مطبوعات حق نوشتن آن را دارند، سکوت شده است.

در یک نگاه کلی درباره این لایحه باید گفت: لایحه جدید مطبوعات نه تنها منعکس کننده روح انقلاب و نیازهای زمان ما نیست، بلکه مواد آن چنان تدوین شده که در شان جامعه انقلابی ایرانی هم نمی تواند باشد.

در این لایحه، مطبوعات در بست به وزارت ارشاد ملی سپرده شده و این وزارتخانه، بوسیله شخص وزیر، علاوه بر آنکه اختیار دارد برای انتشار مطبوعات جدید امتیاز بدهد یا ندهد، امتیاز نشریات در حال چاپ را لغو کند یا نکند، قادر است، با استفاده از مواد لایحه، هر وقت ضرورت ایجاد کرد، نشریات را توقیف و تعطیل کند. علاوه بر اینها، مواد لایحه چنان تنظیم شده که راه کسب و انتشار آزادانه اخبار را در اغلب موارد مسدود کرده است. درباره آن قوانین مترقی که مطبوعات آزاد باید بر بنیاد آنها منتشر شود، اعلام خواهیم کرد.

رفقا و دوستان گرامی توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه ها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷، و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتا دارند. بسیاری رفقا و دوستانی که یادوره کامل و یا شماره های مختلف این روزنامه ها و مجلات و نشریات را هنوز در اختیار دارند، مایمیدانیم که برای هر رفیق و دوستی، این یادگارهای دورانهای مبارزاتی پیشین بسیار گرانبه است و چه بسا که بقیه های سنگین این نسخ تا کنون حفظ شده است. ولی با وجود تمام علاقه های که هر رفیق به حفظ این جراید در کتابخانه شخصی خود دارد، باید تصدیق کنید که در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه و روشی که در هر مورد مشخص در پیش گرفته شده، یا برای آگاهی به رویدادهای گوناگون و موضوعات سیاسی و شخصیتی و گروه های سیاسی مختلف و همچنین دستیابی به نوشته های رفقای شهید، باین جریان و نشریات نیاز واقماً حیاتی و بی جا تشن دارند.

اینست که بهمه شما رفقا و دوستان گرامی حزب روی می آید و تقاضا میکنیم که برای کامل کردن و غنی کردن پایگانی حزب، هر چه از این نشریات دارید، در اختیار ما بگذارید. البته اگر مایلید که حتما نسخه اصلی را نزد خود نگاه دارید، ما با تحمل هزینه سنگینی که زیر افس کردن همه این مطالب دارد، ناچاریم لاقول این درخواست را مطرح کنیم که برای مدت کوتاهی، تا فو کپی کردن، صفحات این دوره ها یا نسخ جداگانه را در اختیار ما بگذارید.

امیدواریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باین درخواست ما پاسخ دهند تا پایگانی ما به این وسیله هر چه زودتر کامل شود. دفتر «مردم» در خیابان آذر، روبروی دانشکده فنی، شماره ۶۸، در انتظار همکاری فوری و مسوئ شمانست.

بقیه از صفحه ۱

دست بسیا...

تروریست برای اعزام به ایران است. وظیفه این گروههای تروریستی که زیر نظر «سیا» و «موساد» عمل میکنند، عبارتست از ترور شخصیتهای مترقی، ایجاد محیط ترس و رعب، ایجاد ناامنی، پخش دروغ و شایعه، تشویق و تحریک به عدم اطاعت و غیره و غیره. شاه، که خود مأمور منصوب «سیا» بود، مبلغ ۶ میلیون دلار از پولهای دزدی را برای انجام این اقدامات تخریبی تخصیص داده است.

اگر می بینیم هر شب صدای تیراندازی در کوچه ها و خیابانهای سراسر کشور شنیده میشود، اگر هر شب عده ای از پاسداران، این جوانان رشید و پرشور و فداکار، جان خود را برای دفاع از انقلاب از دست میدهند، اگر پدر و مادر و همسر و رضایت میان مردم افشاندن میشود، اگر بازار شایعه سازی و دروغ پراکنی گرم است، اگر ترور شخصیت های وطن پرست ادامه دارد، همه و همه آثار فعالیت تبکارانه عمل «سیا» است.

با آنکه در دوران سلطنت شاه مخلوع، خیل جاسوسان امریکائی برای حراست از تاج و تخت «شاهنشاه» و حفظ منافع نامشروع امپریالیسم امریکا در ایران سرگرم فعالیت بودند، ولی در هفته های قبل از انقلاب، «سیا» ۴۰۰ نفر از معتدترین و کهنه کارترین عمال خود را بایران فرستاد تا از دولت نظامی از هاری حمایت کنند و آنها در سرکوب مردم ارشاد و هدایت نمایند. اما عزم مردم مبارز و رهبری انقلاب در سرنگونی رژیم دست نشانده امریکا، جزم تر از آن بود که این جاسوسان سیاهکار بتوانند بر آن چیره شوند.

از هاری رفت و بختیار آمد. ژنرال «هویز» معاون فرمانده نیروهای امریکائی مستقر در اروپا بایران فرستاده شد تا بصورت مشاور «شاهنشاه» عمل کند و با ارشاد ارتش در تبیین از بختیار، این صرعه مورد اعتماد امپریالیسم امریکا را بر سر حکومت نگاه دارد. این نقشه نیز ناکام شد. مردم بختیار را نیز بدنبال شاه رد کردند. پیروزی انقلاب ایران، دژ مستحکم امپریالیسم را در منطقه خلیج فارس درهم فروپاشید. اما امریکا هنوز هم نمیخواهد باور کند که سیادت خود را بر ایران از دست داده است. بدینجهت با تشبیه پس دسیسومرکی میخواهد انقلاب ما را به شکست بکشاند و اوضاع را بفتح خود بازگرداند. تحریکات عمال سیا در میان اقلیت های ملی، ایجاد خصومت میان آنان که حوادث سندنجو گنبد و رفته و خرمشهر نمونه هایی از آنست، ترور سپید قره فی، آیت الله مطهری و سوء قصد به حجة الاسلام رفسنجانی که دست خونی ترین امریکا در دستکش ضد انقلاب گلوله ها رارها نمود، نشان میدهد که امپریالیسم امریکا دمی از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نمانده است.

در برابر دسیسه های امپریالیستی و عمال داخلی آنها باید کاملاً هشیار بود. جاسوسان امریکائی، که وظیفه سازماندهی ضد انقلاب را بر عهده دارند، باید دید رنگ از کشور اخراج شوند. دشمنان داخلی انقلاب می بایست فوراً سرکوب و به کیفر قانونی خویش برسند. نباید به جیبه ضد انقلاب فرصت عمل داد. باید با ایجاد جیبه متحد خلق، نقشه دشمنان را نقش بر آب ساخت.

به پیش هر چه وسیعتر «مردم» کمک کنید روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرید.

رویدادهای جهان

سیاست توسعه طلبی اسرائیل

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کورت والد هایم دبیر کل سازمان ملل متحد تصمیم دولت اسرائیل را درباره تجویز احداث آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اعراب مورد انتقاد قرار داد.

سخنگوی والد هایم اعلام کرد که دبیر کل سازمان ملل متحد از این تصمیم، که با قطعنامه های این سازمان مغایرت دارد و به جستجوی راه حل کلی صلح آمیز مساعدتی نمی کند، متأسف است.

... و اعمال فشار برای حمایت از اسرائیل متجاوز

جمعی کاتر در گفت و گویی با ژان فرانسوا پوسه، دبیر خارجه فرانسه اعلام کرد که عدم حمایت فرانسه از پیمان صلح سادات و بکین رادیکالها را در خاورمیانه تقویت خواهد کرد.

کاتر در این مورد، سخت از فرانسه گله کرد و گفت: «امریکا از اینکه فرانسه پیمان صلح سادات و بکین را تأیید نکرده نومید شده است».

... و چین شویک توطئه ضد عربی رژیم سادات

در پی اعلام انتقاد قرارداد معامله اسلحه با چین، از طرف سادات، خبرگزاری تاس اعلام کرد که چین به نیروهای پیوسته است که از نقش ضد عربی رژیم مصر پشتیبانی می کنند.

خبرگزاری شوروی همچنین در گزارش خود از قاهره اعلام کرد، «چین که در گذشته از مبارزه خلقهای عرب علیه سیاست توسعه طلبانه اسرائیل پشتیبانی می کرد، در حقیقت به نیروهای ملحق شده است که از نقش ضد عربی رژیم مصر در خاورمیانه حمایت می کنند».

تاس تأکید ورزید: «این سیاست، موضع سادات را که ایفاء نقش ژاندارمی در خاورمیانه را پس از سقوط رژیم شاه در ایران، به امریکا وعده داده است تأیید می کند».

روزنامه الشعب، که در بیت المقدس شرقی چاپ می شود، در سرمقاله خود نوشت که معامله جدید اسلحه میان چین و رژیم سادات، مطالبی را که قبلاً از طرف چینها درباره تأیید سیاست مصر بیان شده است، مورد تأیید قرار می دهد. الشعب سپس با اشاره بدین مطلب که چین می کوشد تا موضع خود را نسبت به منافع فلسطینیها اصولی جلوه دهد، متذکر شد که این سیاست دو دوزه بازی چین، به سود خلقهای عرب نیست.

افزایش حضور نظامی آمریکا و مستمسک تراشی برای آن

اتحاد شوروی اعلام کرد که موضوع تقویت حضور نظامی خود را در خلیج فارس و خاورمیانه مورد بررسی قرار داده است. روزنامه پراودا نوشت: «اتحاد شوروی از گزارشهای واصل از منابع امریکا در این مورد که واشنگتن موضوع افزایش حضور نظامی خود را در خلیج فارس و نقاط دیگر مطمح نظر قرار داده است، ابراز نگرانی می کند». روزنامه واشنگتن پست اخیراً نوشت که: «زمانداران امریکا در خلال چند روز آینده برای بحث درباره تقویت حضور نظامی این کشور در خلیج فارس و خاورمیانه اجلاسی سری تشکیل خواهند داد». پراودا تأکید ورزید که اینگونه اقدامات می تواند به فرج تر شدن اوضاع جهان انجامد و اگر کشورهای دیگری نیز مانند امریکا، در سرزمینهایی دورتر از سرزمینهای خود، بالاخص در نواحی قابل انفجار، دست به تقویت نظامی زنند، احتمالاً از این میان یک درگیری جهانی پدید خواهد آمد.

اقیانوس هند از جمله مناطقی است که برای افزایش حضور نظامی امریکا مورد توجه این کشور است.

خبرگزاری تاس اعلام کرد که پس از قطع مذاکرات مربوط به محدودیت فعالیت نظامی در اقیانوس هند (در فوریه ۱۹۷۸) اینک امریکا دست اندرکار افزایش حضور نظامی خود در این ناحیه است. خبرگزاری تاس متذکر شد که امریکا برای این اقدام بنابه روش دیرین خود مستمسک تراشی میکند و بهانه، این بار هم افسانه «تهدید و خطر شوروی» است.

نقشه پنتاگن متضمن استفاده از نیروهای مسلح امریکا برای تصرف حوزہ های نفتی کشورهای عربی و ایجاد یک ستاد فرماندهی امریکایی برای خاورمیانه است.

خبرنگار تاس همچنین اعلام کرد که ژنرال رالف لارنس که گفته میشود برای تبادل نظر درباره موضوع تجدید سازمان نیروهای عربستان سعودی، در ریاض اقامت داشت، نامزد فرماندهی ستاد فرماندهی امریکای خاورمیانه است. کار حضور نظامی امریکا در خاورمیانه با توجه بر شایعات و نوشته بعضی از مطبوعات عربی جنبه ای جدی تر و خطرناک تر پیدا کرده است، بطوریکه سفیر امریکا ناگزیر از تکذیب و تفسیر شده است.

سفیر امریکا در کویت در مصاحبه ای با نشریه کویتی السیاسه نخست این شایعه را که امریکا قصد مداخله نظامی در خلیج فارس دارد «جملیات ژورنالیستی» توصیف و تکذیب کرد و سپس به بیان تفسیر گونه این مطلب پرداخت که «این شایعات از فکرائی ایالات متحده و کشورهای عربی درباره ثبات ناحیه خلیج فارس ناشی می شود».

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم	ت	ر	پناهی	جمفری	عابدینی	دوست و رفقای حسن	از بابل،	ک. گلشن	عدنائی	۴. سرستی	۵. باباخانی	۱. فرهودیان	برلن غربی	مسعود کیهانی	حسین احمدی
حسین احمدی	۲۱۰۰	۴۰۰ ریال	۳۰۰	۳۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۱۰۰۰ ریال	۱۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۴۰۰۰ مارک غربی	۱۰۵۰ ریال	۱۰۵۰	۲۰۰۰ ریال
۱. زهادی	۶۳۶۵														
۲. زهادی	۳۲۰۰														
۳. ش. ازهر از	۱۵۰۰۰														
۴. ا. از مشهد	۱۰۵۰۰														
۵. ج. ج.	۱۰۰۰۰														
۶. فریبرز	۵۰۰۰														
۷. گلاره	۸۰۰۰														
۸. صالح شهید از بابل	۸۰۰۰۰														
۹. رضا کلاس سوم	۲۲۰۰														
۱۰. شماره ۸۰۰ یک حلقه انگشتری با نگین سبز و این یادداشت،															
۱۱. چون نمی توانم کمک مالی بکنم به حزب، فقط می کنم خسته نباشین رفقا یکی از بچه های میدون شوش،															
۱۲. ۱۰۵۰ ریال															
۱۳. ۱۰۵۰															

سفیر امریکا گفته خود را چنین تصریح کرد که: «امریکا بی آنکه بخواهد در امور خلیج دخالت کند، تصمیم گرفته است که بیاری کشورهای این ناحیه به شتابد تا آنها بتوانند وسائل دفاعی خود را افزایش دهند».

چین دست اندرکار تدارک جنگ با ویتنام

دولت ویتنام اعلام کرد که دولت چین دست اندرکار تدارک جنگی جدید با آن کشور است و به همین علت در هرز مشترک دو کشور به شناسایی پایگاههای دفاعی ویتنام پرداخته است.

خبرگزاری ویتنام گزارش داد که نیروهای نظامی و جاسوسان چین در هفته گذشته نوزده بار به خاک ویتنام تجاوز کردند و عده ای از غیر نظامیان ویتنامی را زخمی کردند.

بگزارش خبرگزاری ویتنام، کشتیهای چینی در مدت هشت روز سه بار به سواحل ویتنام تجاوز کرده اند.

کوشش اتحاد شوروی در راه رفع تشنج و ایجاد تفاهم

بگزارش خبرگزاری تاس، اتحاد جماهیر شوروی به جمهوری خلق چین پیشنهاد کرد که در ماههای ژوئن و اوت برای عادی ساختن مناسبات دو کشور گفت و گوهایی در مسکو انجام گیرد. اندر گسرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی این پیشنهاد را در یادداشتی که به کاردار موقت سفارت چین تسلیم کرد، گنجناهد است.

گرومیکو در این یادداشت تصریح کرده است که هدفها و وظایف این گفت و گوها باید عادی کردن و بهبودی روابط دو کشور بر اساس اصل همزیستی مسالمت آمیز، احترام متقابل برای حق حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور یکدیگر و عدم توسل به زور باشد.

وزیر امور خارجه شوروی همچنین تأکید ورزیده است که دولتین اتحاد شوروی و چین باید موافقت کنند که ادعای هیچ دولتی را در مورد حقوق ویژه یا برتری در امور جهانی برسمیت نشناسند.

بقیه از صفحه ۱

بانکهای خصوصی...

بعلاوه، سرمایه های بانکهای خصوصی، چنانکه سیاست رژیم ضد ملی بود، از همان آغاز با سرمایه های مالی بزرگترین کشورهای امپریالیستی (امریکا، انگلیس، آلمان فدرال، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، هلند و غیره) در آمیختند و سیستم بانکی را که شریان اقتصادی کشور است، وابسته تاراجگران خارجی نمودند.

بانکهای خصوصی یکی از مجاری عمده فرار سرمایه از کشور بودند. تمام سرمایه داران بزرگ، چه آنها که از کشور گریختند (در راس آنان شاه مخلوع و خاندانش) و چه آنها که موفق به فرار نشدند، مبالغ هنگفتی از ثروت های غارتی خود را از طریق بانکهای خصوصی به خارج منتقل کردند.

باین ترتیب بانکهای خصوصی چهار نقش عمده و مخرب در کشور داشتند: ۱- کمک به تمرکز و تراکم سرمایه (تکثیر سرمایه) در دست عده معدودی غارتگر؛

۲- جلب سرمایه های انحصاری خارجی و در آمیختن آن با سرمایه های داخلی و وابسته کردن بیشتر اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی؛

۳- غارت هر چه بیشتر توده مردم و بخصوص زحمتکشان؛

۴- فرار دادن سرمایه ها از کشور.

پس از انقلاب، نقش مخرب بانکهای خصوصی با زهم عیان تر گردید. دولت موقت بجای اینکه از همان آغاز با ملی کردن این بانکها جنگالهای سرطانی آنها را از اقتصاد کشور قطع کند، ابتدا درصد درآمد بانک و تسلیاتی که بوسیله بانک مرکزی به آنها واگذار میشد، این بانکها را برای احیاء و سالم سازی اقتصاد درهم ریخته کشور جلب کند. ولی این بانکها، چنانکه در سرشت آنها است، به خرابکاری خود ادامه دادند. در نتیجه اقدامات خرابکارانه این بانکها، بگفته مقامات مسئول، «پول در جریان عادی خود در بازار قرار نگرفت». با اینکه این بانکها مبالغ هنگفتی به دولت بدهکار بودند «مقادیر زیادی سرمایه از کشور خارج کردند». و بالاخره بنا بگفته آقای علی اکبر معین فر، سرپرست سازمان برنامه و بودجه کشور «برای راه انداختن چرخهای کشور به هر طرف که دست میزنیم واز هر کجا شروع میکنیم، می بینیم که یک سر آن به بانکها ختم میشود». متأسفانه فقط در چنین شرایطی، یعنی پس از آزمون آزمونها، کار حیاتی ملی کردن بانکها انجام گرفت.

با اینکه اکنون بانکها ملی شده اند، هنوز معلوم نیست که آیا دولت میخواهد غرامتی به صاحبان غارتگر و فراری آنها بپردازد، یا نه. با شرحی که از چگونگی فعالیت این موسسات غارتگر رفت، پرداختن غرامت به این مستی دزد و خائن هرگز به صلاح اقتصاد کشور نخواهد بود. ملی کردن بانکهای خصوصی، همانطور که گفتیم، فقط نخستین گام در راه احیاء اقتصاد و تأمین پیشرفت آن است. ولی ملی کردن بانکهای خصوصی، بدون درپیش گرفتن یک سیاست سنجیده اقتصادی و مالی در جهت تأمین منافع ملی، نمیتواند نتیجه کاملاً مطلوبی ببار آورد. ملی کردن بانکها به مثابه نخستین گام باید با ملی کردن تمام سرمایه های بزرگ، بخصوص سرمایه های بزرگ و وابسته، کوتاه کردن قطعی دست انحصارها از تمام رشته های تولیدی، تنظیم برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی، برنامه هایی که هدف آنها تأمین پیشرفت همه جانبه و هماهنگ و مستقل اقتصاد ملی بسود زحمتکشان باشد، همراه گردد.

حزب توده ایران، که ملی کردن بانکهای خصوصی را همیشه جزئی از اقدامات وسیعی دانسته که هر دولت انقلابی باید انجام دهد، ضمن پشتیبانی از این اقدام، دولت را به اتخاذ تدابیر وسیعتری در این جهت فرامیخواند. برانداختن قطعی و نهائی تمام پایه های اقتصادی امپریالیسم و سرمایه داران وابسته آن، از مبرم ترین وظایف یک دولت انقلابی است.

درد بر جبهه خلق برای آزادی عمان

نوزدهم خرداد (مطابق با ۹ ژوئن) سالروز تولد جبهه خلق برای آزادی عمان است که امسال شانزدهمین سالگشت حیات غرور انگیز و رزم پرافتخار آنست. جبهه خلق برای آزادی عمان سازمانی است خلقی که از درون خلق ستمدیده و غارت شده عمان برخاسته، متکی به خلق است و در راه هدفتان خلق رهنمائی کشور از جنگ سلطه مستمکرانه امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته بدان، عمل میکند. دشمن اصلی این جبهه در درجه اول امپریالیسم، پس گردگی امپریالیسم آمریکا و دستیار انگلیسی آن و نیز عمال آنها از قبیل سلطان قابوس، انور سادات (بجای شاه مخلوع) و دیگرانی از این قماشند که عاقبت سرنوشتی بهتر از محمد رضا نخواهند داشت.

یکی از علل سقوط رژیم شاه چنانیکار در ایران قشی بوده که بعنوان «ژاندارم منطقه‌ای امپریالیسم» بر عهده گرفت، و در اعزام ارتش برای سرکوب خلق رهنده عمان در ظفار عملی کردید. ایفاء این نقش کثیف باعث آن شد که نظامیگری، یعنی سیاست تجاوزی در منطقه، اساس سیاست رژیم گردد و در راه اجرای آن درآمد کشور از نفت برای خریدن اسلحه و تقویت نیروی تهاجمی به انحصارات اسلحه سازی تحویل شود، یعنی ثروت وهستی ما بطور عمده بین انحصارهای نفتی و انحصارهای اسلحه سازی تقسیم شده و در نتیجه چرخ اقتصاد کشور از گردش موزون بازماند، به تمام حواقب ناشی از آن در تمام عمرهای زندگی که بر شمرندش «هفتادمن کاذب» می شود و عاقبتش به بحران حکومت شاه مخلوع انجامید.

مداخله نظامی رژیم شاه مخلوع در عمان مدت کوتاهی پس از تدوین دکترین گوام نیکسون و تقریباً بلافاصله پس از خروج نیروهای انگلیسی از کشورهای جنوب خلیج فارس آغاز شد. سر بازان ایرانی به عمان گسیل شدند تا زیر فرماندهی ژنرال وستاد عملیاتی انگلستان، همچون قشون مستعمراتی و برای حفظ «مقات» سلطه امپریالیسم در عمان قربانی شوند. شاه مخلوع در پانزدهم ۱۳۵۱ مداخله آغاز کرد و سپس دیری نگذشت که حدود ۶۰۰ سرباز به منطقه ظفار اعزام داشت. این نخستین گام باصطلاح «مجرمانه و سری» در با تلاق گذارده شد. تا دیماه

۱۳۵۴ تعداد سربازان اعزامی ایرانی به حدود ۱۱ هزار نفر رسید، که اویسی آنها را با نطقهای آتشین که شما به جنگ عده‌ای از کفار و اشرار مهر وید، به قتلگاه مفرستاد.

از دیماه ۱۳۵۲ تا مهرماه ۱۳۵۴ جنگ در عمان نشانه تجاوزی علیه استقلال طلبان عمان با شدت جریان داشت و تلفات ارتش اعزامی با شتاب فزونی میگرفت. نارضائی نه فقط در قشون اعزامی، بلکه در سربازخانه‌های درون کشور توسعه مییافت. در برابر بسیاری از افراد و افسران ارتش این سؤال مطرح شده که چرا باید بفرمان شاه در خدمت به امریکا یا انگلیس در هزار کیلو متری مرزهای کشور قربانی شد؟

جنگ تجاوزی ارتش اعزامی ایران بسبک امریکایی با همان بر برهنشی امریکاییان در ویتنام، جریان یافت. سربازان نا فرمان خودی را زنده بگور میکردند و از قتل عام زنان و کودکان و سالخوردهگان «دشمن» فروگذار نمی نمودند. ولی شدت دشمنی هیچگاه نتوانست نه روحیه ارتش اعزامی را بالا برد و نه روحیه خلق رهنده عمان را بشکند. ستوان یکم اشرفیان بدرستی گفت: «میهن پرستان ظفار علی رغم فقر مادی و حشمتانه از چیز بسیار باشکوهی که ما فاقد آن هستیم غنی هستند و آن ایمان به هدفی است که در برابر خود قرار داده اند، یعنی آزادی و استقلال و بردباری در برابر مصائب و مشقات در راه دستیابی باین هدف».

اینک در عمان سلطان زده و استعمار زده، همان خلق، باغنائی ایمان به پیروزی و کسب استقلال و آزادی باقی است مبارزه و چنین خلقی سرانجام به رزم مصائب و مشقات، به رزم تمام دشمنان خارجی و داخلی، به رزم امپریالیسم جهاننور و سلطان قابوس و سادات (که اینک بجای شاه عمل میکند) و دیگر عمال فرومایه اربابان امپریالیست، به پیروزی خواهد رسید. بهمانگونه که خلق ایران بر محمد رضا شاه خائن و دستگاه قهر جهممی اش اربابان را از کشور خویش بر خواهند چید. ما بمناسبت سالروز تشکیل جبهه خلق برای آزادی عمان، به خلق رهنده عمان درود میفرستیم و اطمینان داریم که این خلق ستمدیده برادر نیز استقلال و آزادی کشور خویش را بدست خواهد آورد.

چه کسانی از تیرگی روابط ایران با همسایگانش سود میبرند

در حالیکه ضد انقلاب تمام نیروی خود را در داخل ایران بخدمت گرفته است تا از تحکیم دستاوردهای انقلاب و برقراری حکومت خلق در جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند و هر روز در گوشه‌های از کشور ماجراهای خونی جدیدی بوجود می‌آورد، در خارج از مرزهای ایران و در برخی از کشورهای منطقه نیز دولتهای گوش یفرمان امپریالیسم امریکا ساکت ننشسته و دست در دست سربسردگان رژیم سرنکون شده، برای انقلاب ایران توطئه تدارک می بینند.

تیسار مدنی، استاندار خوزستان، در جریان حوادث اخیر خوزستان، پرده از این تلاشهای خارج مرزی ایران برداشت و برای نخستین بار فاش ساخت که، برخی کشورهای خلیج فارس و منطقه خاورمیانه در حوادث خوزستان به نوعی دست دارند و عوامل رژیم گذشته در این کشورها به ضد انقلابیون داخل ایران یاری می‌رسانند. پخش برنامه‌های تحریک کننده از طریق رادیوها و کمک به قاچاق اسلحه و همچنین مانور جنگنده‌های دولت عراق بر فراز خاک ایران و حتی بمباران روستاهای غربی ایران در چند روز اخیر، خبرش از طریق وسائل

ارتباط جمعی با اطلاع مردم رسید. تلاشهایی که در بیرون از مرزهای ایران انجام میشود، ارتباط مستقیم با تلاشهای ضد انقلاب در درون مرزهای ایران دارد و این نشانده آنست که امپریالیسم برای یازی رساندن به ضد انقلابیون از هیچ تلاشی فروگذار نمیکند.

آنچه که با بررسی رویدادها و اخبار منتشر شده میتوان حدس زد اینست که، امپریالیسم سعی دارد با ایجاد ناامنی در مرزهای ایران و وجو ضد انقلاب ایران در برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس؛ رژیم انقلابی جوان ایران را، علاوه بر مشکلاتی که در درون مرزها دارد، در بیرون از مرزهایش نیز گرفتار کند. تحریم اقتصادی، دروغ پراکنی، جنگ مرزی، تحریک به تجزیه طلبی و حتی تدارک دخالت مستقیم و نظامی- حداقل بصورت تهدید برای ارباب- از شیوه‌های کهنه امپریالیسم در برابر رژیم‌های انقلابی است. که بی‌شک از همه آنها برای جلوگیری از تحکیم دستاوردهای انقلاب ایران نیز استفاده میشود. البته برای اجرای این نقشه‌های شوم و ضد خلقی از تمام امکانات ضد انقلابی داخل کشورهای انقلابی نیز

تبهکاران امپریالیست

دستهای آلوده خود را بالجن حاشا می‌شویند

آن تا آخرین لحظه ممکن در پشت سر شاه مخلوع قرار داشت. این نیروهای جنمی و جهانخوار، که بعلمت وجود شرایط خاص دوران مانمی- توانستند مستقیماً پدخال علفی پیردازند و در برابر سبیل خروشان انقلاب بایستند و آنرا از پیشرفت بازدارند، پس از پیروزی مرحله اول انقلاب، در صدد برآمدند با تحریک و توطئه و تولید مشکلات و ایجاد اختلاف بین خلقها و پیروان مسلکهای مختلف، انقلاب را از مسیر خود منحرف کنند، آنرا به ناتوانی پکشاندوسر فرصت ضریبی را که میخواهند فرود آورند. در پشت سر هر یک از حوادث خونینی که طی این مدت کوتاه بر مردم میهن ما گذشته، از جریان ناگوار گنبد تا کشتار فتنه و نا آرامیهای کردستان، تا حوادث غم انگیزی که اینک در خوزستان میگذرد، شهادت جنایتکار آلوده در خون امپریالیستها و درجه اول امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و صهیونیستها را در همکاری با شاه مخلوع و عمال او پیمان می بینید.

اینها واقیعات انکار ناپذیری است از دخالت بیشرمانه و خطرناک امپریالیست های امریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران. «تکذیب» یکی، «سکوت» دیگری وانکار همگی نمیتواند تغییری در این واقعیت بدهد.

مردم ایران هم این واقعیت را می بینند، دخالت امپریالیسم، پس گردگی امپریالیسم امریکا، را در امور داخلی ایران محکوم میکنند و میکوشند تا با مبارزه متحد خود این دخالت را عقیم گذارند.

دیگر کسی رانمیتوان یافت که کم یابیش نداند که از طرف امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی این مدافعان تندوتیز «حقوق بشر» بر کشور ما چه گذشت. کسی نیست که نداند که این توطئه تبهکارانه سیا و اینتلجنس سرویس بود که یک مردک رادرمذقی بیش از یک ربع قرن پر کشور ما فرمانروا کرد و رژیم راپی افکند، که اساس آن راحیانت، جنایت، غارتگری، بی بندوبار، فساد پروری بی شرمانه و ترور و اختناق تشکیل میداد. کسی نیست که نداند که از برکت این رژیم ضد بشری، روزی که محمدرضا از ایران رفت، حدود ۲۳ میلیارد دلار از ثروت تاراج شده را خود بیانکهای امپریالیستی و خاصه بانکهای امریکا منتقل کرد، و در عین حال بعد از ریختن پاشهای فراوان، بیش از ۶۰ میلیارد دلار در مجموع پایت بهای اسلحه و حقوق کارشناس بیچیب تاراجگران امریکائی و انگلیسی ریخته بود. کسی نیست که نداند که این تاراج ایلغارگرانه مردم ماهراه بود با دهها هزار کشته، که چه دیوروشهای دسته جمعی دژخیمان رژیم شمشیدندند، چه گروه گروه در کنج زندانها یادریز شکنجه از بین رفتند، و یادیدست جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

آری، محمد رضای خائن و جنایتکار دهها هزار تن از بهترین فرزندان میهن ما را نابود کرد تا بهتر بتواند دست غارتگران امریکائی و انگلیسی وسایر امپریالیستهارا در تاراج بی حساب و کتاب ثروت های ملی ما باز بگذارد. و دست امپریالیسم امریکا و دستگاه سیای آن، امپریالیسم انگلستان با اینتلجنس سرویس آن، دست صهیونیسم با موصاد

مصاحبه دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق کیانوری، با روزنامه کویتی «الایناه»، که ضمن آن دخالتهای حادثه آفرین ایالات متحده آمریکا و همچنین انگلستان در امور داخلی ایران افشاء شده است، در محافل مربوط و انکشافی تولید کرده، که پایه آن راهمان مثل معروف، دیوار حاشا بلند است، تشکیل میدهد. مثلا سخنگوی سفارت بریتانیا در تهران، از قول دولت متبوع خود، دخالت انگلستان را در حوادث ایران تکذیب کرده است! در حالی که سفارت امریکا، ظاهراً بعلمت غیبت عضو مسئول خود، در این زمینه سکوت کرده است!

این بار اول نیست که تبهکاران امپریالیست از دیوار بلند حاشا بالا میروند و سکوت سفارت امریکا هم، بهر علت که باشد، هیچ چیز تغییر نمیدهد. تا همان اواخر انقلاب و تاهنگامی که هنوز بهمانده آمیدی به متوقف ساختن انقلاب بپبود، نمره های آقای کارتر جهان را بر آوازه کرده بود که: حمایت لژشاه برای امریکا یک امر حیاتی است. آقای اون، وزیر خارجه سابق انگلستان هم بهین منوال داد سخن داده بود. پس از پیروزی انقلاب، این اشتباهها جای خرد راپه اگری و اماداد و محافل حاکمه امریکا و انگلستان ناگزیر شدند ظاهراً «به جمهوری اسلامی»، که نمره درختان انقلاب بود، گردن نهند و ادعا کنند که گویا دول امریکا و انگلستان آب توبه بر سر ریخته و دیگر در امور داخلی ایران دخالت ندارند!

اما این تهاشی، در حقیقت هیچ واقعیتی را تغییر نداده نمیدهد. امروز در سر تا سر ایران

استفاده میشود. ساسفانه با آنکه بسیاری از رهبران انقلاب ایران بدرستی از این نقشه شوم امپریالیسم امریکار دیگر کشورهای سرمایه داری، که منافشان در ایران و منطقه به خطر افتاده است، آگاهاند، و با آنکه میدانند رژیم انقلابی جوان ایران ابتدا میبایست به مشکلات درون مرزی خود توجه داشته باشد و پاهر گونه دست درازی امپریالیسم مبارزه کند، در برابر عناصری که سعی دارند درگیری های مرزی، تیره سازی روابط حسن همجواری با کشورهای همسایه و مشکلات بیرون مرزی برای ایران تازه استقلال یافته بوجود آورند، سکوت میکنند.

ما وظیفه انقلابی خود میدانیم که در این لحظات تاریخی و حساس اعلام داریم که رژیم جوان انقلابی ایران بیش از هر چیز به حل فوری انقلابی مشکلات داخلی ایران نیاز دارد تا هر نوع زمینه را برای ضد انقلابیون از بین ببرد. مانوبه خود، در زمینه حل مشکلات روز، طی نامه سرگشاده‌ای، نظرات خود را اعلام داشته ایم و حاضر به هر نوع همکاری در این زمینه هستیم.

بدلیل وجود صدها مشکل داخل مرزی، که باید خلق ایران آنها را حل کند و پشت سر بگذارد تا باین ترتیب به امپریالیسم زخم خورده امان دوباره جان گرفتن در ایران ندهد، اعلام میداریم که ایجاد هر گونه محیط تحریک آمیز در مرزهای ایران و مان زدن به احساسات مردم درباره مسائلی که همه حقایق آن، نه برای تحریک کنندگان و نه برای تحریک شوندگان معلوم نیست، باید پرهیز شود. ایران انقلابی نیاز به کشور گشائی و احیانا صدور انقلاب خود به دیگر کشورها ندارد و این در حالی است که نیاید به تمام نهضت‌های رهائی بخش و اصیل یاری رساند و پشتیبان خلقهایی

توجه!

رفیق گرامی حسین پدرا دادوش رفیقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد کمکهای با ارزشی به حزب کردید؛ با تغییراتی که پیدا شده ما نتوانستیم خانه شما را پیدا کنیم. اگر در تهران هستید، خواهش میکنیم مستقیماً به دفتر «مردم» مراجعه کنید و یا با تلفن نشانی خود را بدهید.

با درود فراوان «مردم»

رقا و دوستانی که در خارج از کشورند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند.

Sweden
Stockholm
Spar hanken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Takman

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خهابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۴۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق